

حادثه‌ها

تلفات سیل به ۷ نفر رسید

● رئیس سازمان امدادونجات با اشاره به آخرین روند امداد رسانی در مناطق سیل‌زده کشور گفت: هفت نفر به دلیل سیل جان خود را از دست دادند و هفت‌هزار و ۴۰۰ نفر اسکان اضطراری شدند. ناصر چرخساز اظهار کرد: به‌طورکلی ۲۱ استان خوزستان، ایلام، لرستان، کرمانشاه، فارس، چهارمحال‌وبختیاری، اصفهان، همدان، خراسان‌جنوبی، شمالی و رضوی، کهگیلویه‌وبویرواحمد، البرز، کردستان، یزد، سمنان، گیلان، گلستان، آذربایجان‌شرقی، مازندران و زنجان متأثر از سیل و آب‌گرفتگی شده بودند. وی افزود: به ۳۵۱ شهر، روستا و منطقه عشایر نشین در این مدت امدادرسانی شد و بیش از ۲۶ هزار و ۸۰۰ حادثه‌دیده نیز از خدمات امدادی بهره‌مند شدند. رئیس سازمان امدادونجات با اعلام اسکان اضطراری هفت‌هزارو ۴۰۰ نفر در این مدت، گفت: ۱۰ نفر نیز به دلیل مصدومیت ناشی از سیل و آب‌گرفتگی توسط نیروهای هلال‌احمر به مراکز درمانی منتقل شده و هفت نفر جان خود را از دست داده‌اند که سه نفر در دهلران، یک نفر در مهران، یک نفر در ایلام و دو نفر در اندیکا و نورآباد کشته شدند. چرخساز از رهاسازی بیش از ۳۰۰ دستگاه خودرو از مسیر سیلاب خبر داد و عنوان کرد: حدود ۷۰۰ واحد مسکونی در این مدت از آب تخلیه شد و اکنون امدادرسانی در خوزستان، لرستان و ایلام ادامه دارد. وی در مورد منابع و تجهیزات به‌کارگرفته‌شده در سیل و آب‌گرفتگی روزهای گذشته، گفت: سه فرودن باکتر، ۳۵ دستگاه خودروی عملیاتی و هزارو ۷۴۷ نیروی عملیاتی در این زمینه به کار گرفته شد و بیش از ۹ هزار تخته پتو، دوهزارو ۸۰۰ تخته موکت و ۴۰۰ شعله والور میان حادثه‌دیدگان توزیع شد.

دستگیری کلاهبردار ۸۰میلیاردی

● کلاهبردار حرفه‌ای که در لیست سیاه بانک مرکزی بود، سرانجام شناسایی و دستگیر شد. سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی استان سیستان‌وبلوچستان گفت: چندی قبل در جریان فعالیت یک فرد کلاهبردار در شهر زاهدان قرار گرفتیم. مرد میان‌سال با فریب تجار این استان در قالب خرید و فروش کالا از آنها کلاهبرداری می‌کرد. وی ادامه داد: با شناسایی هویت متهم متوجه شدیم او به علت گرفتن وام‌های کلان بانکی و عدم پرداخت اقساط در لیست سیاه بانک مرکزی قرار گرفته و ممنوع‌المعامله است. به گفته رئیس پلیس سیستان‌وبلوچستان، سرانجام مأموران پلیس زاهدان در عملیاتی شبانه موفق شدند متهم را دستگیر کنند. مرد میان‌سال پس از دستگیری به کلاهبرداری ۸۰میلیاردریالی از تجار استان‌های سیستان‌وبلوچستان، کرمان و تهران اعتراف کرد.

مرگ سارق با شلیک پلیس

● مأمور پلیس پایتخت در جریان تعقیب دو سارق خودرو، یکی از آنها را با شلیک گلوله به قتل رساند. مأمور کلاترئی وی حین گشت‌زنی به یک دستگاه خودرو ۲۰۶ سفید مشکوک شد و به آنها دستور ایست داد. دو پسر سرنشین خودرو با دیدن مأمور پلیس فرار کردند. با فرار سارقان، مأمور پلیس برای دستگیری آنها وارد عمل و در استعمال پلاک خودرو متوجه شد خودرو ساعاتی قبل در جنوب تهران سرق شده است. سرانجام وقتی دو پسر جوان به اخطار پلیس توجه نکردند، مأمور پلیس پنج تیر به سمت خودرو شلیک کرد. دقایقی بعد خودرو متوقف شد و دو پسر جوان از سوی مأمور پلیس بازداشت شدند. با بازداشت دو پسر جوان مشخص شد یکی از آنها موردصابت دو تیر قرار گرفته است. به حضور عوامل اورژانس مشخص شد پسر سارق به علت شدت جراحات جانش را از دست داده است. با مرگ سارق ۲۸ساله، موضوع به قاضی مرادی، بازپرس ویژه قتل تهران اعلام و تیم جنایی در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد پسر سارق به علت اصابت دو تیر به کمر و کتفش جانش را از دست داده است. هم‌اکنون متهم در بازجویی‌ها مدعی شد مقتول ساعتی قبل با خودرو سرقتی به دنبالش آمد تا به گردش برونه اما مأمور پلیس خیلی زود آنها را شناسایی کرد و به تعقیب آنها پرداخت. با مشخص‌شدن موضوع، بازپرس شعبه دوم دادرسی امور جنایی، دستور تحقیقات بیشتر را صادر کرد.

دستگیری سارقان میلیاردی

● رئیس پلیس آگاهی استان آذربایجان‌غربی از دستگیری سارقان حرفه‌ای منازل با ۳۰ فقره سرقت به ارزش چهار میلیارد ریال در شهرستان ارومیه خبر داد. سرهنگ «سماں غنی‌زاده» اظهار کرد: در پی وقوع چندین فقره سرقت از منازل در ارومیه، رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی افزود: مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی، موفق شدند سارقان را شناسایی کنند. در استعلام‌های صورت‌گرفته مشخص شد متهمان از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار هستند. این مقام انتظامی ادامه داد: پس از شناسایی مخفیگاه متهمان، مأموران به صورت نامحسوس، آنها را تحت نظر قرار دادند و موفق شدند آنان را حین سرقت دستگیر کنند. غنی‌زاده با اشاره به اینکه متهمان در بازجویی‌های پلیسی به ۳۰ فقره سرقت طلاجات و وجه نقد از منازل اعتراف کردند، افزود: ارزش اموال مسروقه بیش از چهار میلیارد ریال برآورد شده است.

شرق، شاهد حلاج نیشابوری؛ مردی ۶۵ساله که پسرش در جریان نزاع با هم‌خانه‌ای خودش به قتل رسیده بود بدون هیچ خواسته‌ای از قصاص قاتل صرف‌نظر کرد و او را بخشید. این مرد که حسن ابراهیم‌پور نام دارد درباره اعلام بخشش به خبرنگار ما گفت: ما در دادگاه اول حکم قصاص را گرفتیم و بعد هم حکم تأیید شد اما برای رضای خدا رضایت دادیم. برای اعلام رضایت، در روستا و خانواده خیلی مشورت کردیم و پسر دیگرم آن‌قدر درباره بخشش گفت تا اینکه رضایت دادیم». او ادامه داد: «اگر قاتل را قصاص می‌کردیم پشیمان می‌شدیم، الان ممکن است او پشیمان شده باشد و درون خودش احساس گناه کند و به زندگی بازگردد. از طرفی ما پسرمان را از دست داده‌ایم، اما پدر و مادر قاتل که گناه نکردند که پسرشان را از دست بدهند به‌همین دلیل یک بار دیگر به او فرصت زندگی دادیم. شاید نفهمیده این کار را کرده باشد، به‌رحال ما مسلمان هستیم و سنی‌مذهب و برای رضای خدا این کار را کردیم».

درهمین‌حال برادر ۴۵ساله مقتول به نام محمدجلیل که فرزند بزرگ خانواده است و نقش مهمی در جلب رضایت والدینش داشت در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره این ماجرا توضیح داده است:

چطور از ماجرای قتل برادرت مطلع شدی؟

مدتی بود از برادرم خبری نبود. آن زمان از تهران از یکی از زندان‌ها زنگ زند که شناسنامه برادران را بیاورید و به زندان بیاپید، الان به خاطر گذر زمان جزئیات دقیقی از ماجرا به خاطر ندارم. رفتم زندان و دیدیم اشتباه شده و آن فردی که در زندان بود کمال احمدی‌پور بود ولی برادرم من کمال ابراهیم‌پور بود. حالا روی چه حسابی اشتباه شده بود این را هم یادم نیست. وقتی دیدیم برادرم در زندان نیست به بیمارستان‌ها و کلاترئی‌ها و بعد هم به پزشکی قانونی رفتم. در آنجا آلبوم عکس‌های اجساد را به ما نشان دادند. من که عکس‌ها را می‌دیدم با یک چشمک جوری که پدرم متوجه نشود به آن مسئول پزشکی قانونی فهماندم برادرم را شناختم. بعد دنبال کارهای قانونی رفتم تا مطمئن شوم و جسد را تحویل بگیرم. بعدد موضوع را به پدرم بگویم ولی نگفتم جسد را دفن کرده‌اند. وقتی هم که دلیلش را پرسیدم، گفتند چون صاحب نداشت. اما مگر نباید شش ماه، سه ماه یا یک‌ماه جسد را نکه دارند. به‌رحال ما به دادگاه رفتم، نامه گرفتیم و نبش قبر کردیم و جسد را برای دفن به سندرج بردیم.

چا برادرت چه زمانی به قتل رسیده و کی او را دفن کرده بودند؟

فکر کنم ۲۵ اسفند سال ۷۷ قتل اتفاق افتاد و



چا برادرت چه زمانی به قتل رسیدی؟

۲۹ اسفند به ما زنگ زدند که بیاپید و فکر کنم دوم فروردین سال ۷۸ به تهران آمدم.

چا به پدرت چطور گفتی که برادرت کشته شده است؟

وقتی آلبوم را دیدیم؛ من وانمود کردم که عکس برادرم را ندیده‌ام. پدرم هر روز به پزشکی قانونی می‌رفت و می‌گفت من می‌دانم کمال اینجاست و در نهایت هم که از کشته‌شدن برادرم مطمئن شدم، موضوع را به او گفتم.

آخرین خبری که از برادرت داشتی، چه بود؟

آن زمان خانه من دماوند بود و کمال تهران بود. هفته قبل از آن ماجرا- او خانه ما بود فکر کنم ۲۰ اسفند بود و قرار بود ۲۵ اسفند بیاید که با هم به سسندج برویم اما خبری نشد. آن موقع موبایل بود ولی مثل الان همه نداشتند و فقط سرمایه‌دارها داشتند. برای همین ما از کمال بی‌خبر بودیم تا اینکه این اتفاقات افتاد.

چا او در تهران چه می‌کرد؟ خانه‌اش را بلد نبودی؟

برای کارگری به تهران آمده بود، من حدود خانه‌اش را بلد بودم اما نمی‌دانم چرا دوست نداشت آدرس خانه‌اش را یاد بگیرم، برای همین چند باری آدرس اشتباه داده بود.

آیا قاتل را می‌شناختی؟

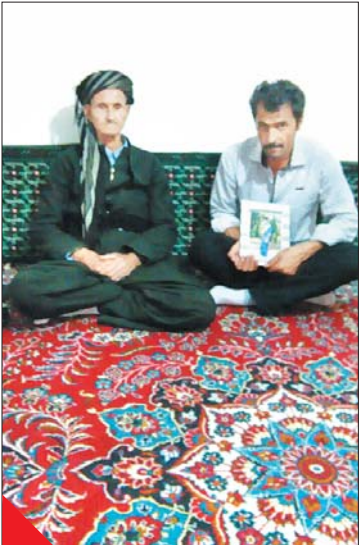
نه، اصلا نمی‌شناختم اما وقتی دستگیر شد فهمیدم با کمال هم‌خانه بوده و در یک حیاط زندگی می‌کردند.

چا اولین باری که قاتل را دیدی کی بود و چه

حوادث

گفت‌وگو با مردی که با اصرار برای قاتل برادرش رضایت گرفت

برادرم با قصاص قاتل زنده نمی‌شد



چا برادرت چه زمانی به قتل رسیدی؟

چیزی گفتی و شنیدی؟

چند روز بعد از مراسم تدفین بود که برای پیگیری موضوع به تهران آمدم. با مأموران به پامنار رفتم تا قاتل را دستگیر کردیم. آن موقع وسایلش را جمع کرده و روی دوشش بود و می‌خواست فرار کند که ما رسیدیم. کاری هم با او نداشتیم. او خیلی وحشت کرده بود اما او را دست قانون سپردیم؛ چون اگر می‌خواستیم جور دیگری رفتار کنیم مثل خود او می‌شدیم. بعد هم که روند قانونی پیرونده طی او به قصاص محکوم شد. اما ته دلم راضی نبود که او را اعدام کنیم. برای همین هر بار به بهانه‌ای اجرای حکم را عقب می‌انداختم. در این بین هم خواهرش را چند خیر چند بار برای رضایت پیش ما آمند که هر بار می‌آمند کار را خراب‌تر می‌کردند.

چا قاتل همشهری خودتان است؟ خانواده‌اش چند بار برای رضایت پیش شما آمدند؟

اهل پنجنورد است. شناخت زیادی از خانواده‌اش نداریم، اما می‌دانیم که پدرش زندان است و کسی را هم نداشت که کمکش کند. اگر هم سه، چهار بار به روستا آمند با حرف‌هایشان به ما ضرر زدند. برای همین ما زیاد مایل نبودیم بیایند و دل خوشی هم از آمدنشان نداشتیم.

چا چرا قصاص را به تأخیر می‌انداختید؟

اعدامش می‌کردیم که چه؟ فایده نداشت، کمال که زنده نمی‌شد، رضایت هم نمی‌خواستیم بدیم‌که او زود بیرون بیاید.

چا چه چیز مانع از اعلام رضایت بود؟

مخالفت پدرموادرم. آنها نگران این‌س بودند که

قاتل آزاد شود و خدای‌ناکرده دوبار سراغ ما بیاید. من به آنها گفتم این اتفاق نمی‌افتد. در نهایت با آنها صحبت کردم- و راضی شدند. از طرفی از قاتل و خانواده‌اش ضمانت محضری گرفتیم که به‌هیچ‌عنوان به وابستگی ما نزدیک نشوند. چون مثلا ممکن است برادر دیگرم او را ببیند و بگویم‌گویی درگیرد و خشمگین شود و همان اتفاقی که نباید تکرار شود.

چا چطور شد که در نهایت پدرموادرت رضایت دادند؟

دو ماه قبل از اعلام رضایت محضری بود که یکی از آشنایان ما پیش من آمد و گفت می‌خواهید چه کنید؟ الان هر کاری دوست دارید بکنید اما کاری نکنید که پشیمان شوید. من هم گفتم دلم با رضایت است، اما نگرانی پدرموادرم را هم درک می‌کنم. خلاصه باز با پدرم صحبت کردم و او هم راضی شد رضایت بدهد.

چا چرا دیه نگرفتید؟

از چه کسی دیه بگیریم؟ اصلا چه کسی دیه بدهد؟ مثلا دیه هم می‌دادند، برای ما که فایده نداشت. بهترین راه، بخشش بود و ما می‌توانستیم خیلی زودتر از این‌س حرف‌ها او را اعدام کنیم اما نخواستیم؛ چون برایمان فرقی نمی‌کرد. اگر می‌خواستیم همان ۱۵ سال پیش می‌توانستیم اعدامش کنیم. اما او را در زندان نگه داشتیم تا پرایش درس شود و شاید خودش هم آدم شده. حالا به فرض ما او را می‌کشیم، آیا برادرم برمی‌گشت؟ به خاطر اینکه بخشش بهتر است به او رضایت دادیم، اما گفتند او هنوز میهمان زندان است و اگر آزاد هم شود قرار نیست به ما نزدیک شود.

اصلا دلیل قتل چه بود؟

او در دادگاه اعتراف کرده بود با یکی دیگر دعوا کرده و برادرم آنها را جدا کرده بود اما او سر همین موضوع کینه گرفته و با چاقو برادرم را کشته بود. از این‌قتل‌های بی‌خودی و از روی نادانی و جوانی بود، اگر سر پول هم بود باز آن‌قدر ناراحت نمی‌شدیم. البته برادر من کسی نبود که سر پول دعوا کند. برادرم کلی پول برای خودش داشت ولی وقتی ما رفتم در خانه‌اش هیچ چیز نبود و همه وسایلش دزدیده شده بود.

چا در خانواده چه کسانی موافق و مخالف بخشش بودند؟

خواهرانم موافق بخشش بودند اما پدرموادرم موافق نبودند و نگرانی‌شان هم این بود که قاتل بعد از آزادی به ما صدمه بزند. وقتی من با آنها صحبت کردم و گفتم که تعهد می‌گیریم که به ما نزدیک نشود، حرفم را زمین نینداختند و رضایت دادند.

صدور حکم جلب برای کودک ۵ ساله

یک زوج جوان با گریه به ستاد دیه استان مراجعه کردند و از صدور حکم جلب و مراجعه مأمور برای زندانی‌کردن پسر پنج‌ساله‌شان خبر دادند. در گذشته بارها شاهد بروز حوادث غیرعمد کودکان و نوجوانان حین بازی یا به صورت حادثه و اتفاق بوده‌ایم اما همواره رای بر پرداخت دیه توسط عاقله صادر و از زندانی‌کردن طفل تا رسیدن به سن قانونی خودداری می‌شد.

مدیرعامل ستاد دیه شعبه استان لرستان توضیح داد: در قانون جدید مجازات اسلامی، پرداخت دیه بر عهده شخص گذاشته شده است و در صورت توانایی نداشتن پرداخت دین، شخص که ممکن است طفل هم باشد روانه زندان خواهد شد و به‌همین‌دلیل حکم جلب امیرمحمد در این ماجرا صادر شد.

این مقام مسئول گفت: با طرح موضوع در جلسه، از ورود امیرمحمد به کانون اصلاح‌وتربیت جلوگیری شد، چراکه با توجه به سن‌وسال امیرمحمد ورودش به زندان باعث آسیب روحی به وی می‌شد. وی با اشاره به دو مورد دیگر مانند امیرمحمد که حکم جلب آنها صادر شده است، گفت: با عنایت به دو خانواده‌ای که در دو ماه گذشته به این نهاد مردمی مراجعه کرده‌اند، این مواد جدید قانون مجازات اسلامی نیاز به اصلاح جدی دارند.



از دست دادند و ۱۳ نفر دیگر مجروح شدند. پلیس محلی ایالت اورسا با بیان اینکه این حادثه غروب روز یکشنبه اتفاق افتاد، اعلام کرد: اتوبوس حامل ۴۰ مسافر ازجمله تعدادی زن و کودک بود. طبق اعلام پلیس هند، علت وقوع این حادثه در دست بررسی است. رعایت‌نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی، شرایط نامناسب آب‌وهوایی و بی‌توجهی به ظرفیت مجاز خودرو از جمله دلایل بروز سوانح رانندگی مرگ‌بار در هند است.

سانحه رانندگی ۲۷ قربانی گرفت

سقوط اتوبوس داخل آبگیری در هند به مرگ دست‌کم ۲۷ نفر انجامید. در این حادثه یک دستگاه اتوبوس در ایالت شرقی «اورسا» داخل آبگیری سقوط کرد که بر اثر آن ۲۷ نفر جان خود را

رخداد

قتل به خاطر ۶۰۰ هزار تومان

● پسر ۲۲ساله افغان که به دلیل بدهی ۶۰۰هزارتومانی، دوستش را به قتل رسانده بود، با صدور کیفرخواست به‌زودی محاکمه می‌شود. ۱۶ بهمن سال ۹۳ زنی با مراجعه به پلیس از گروگان‌گرفته‌شدن خواهرزاده‌اش خبر داد و گفت: ما تبعه افغانستان هستیم. ساعتی قبل یک ناشناس با تلفن خواهرزاده‌ام که کارگر ساختمانی است با من تماس گرفت و ادعا کرد علی‌احمد را دزدیده است و برای آزادی‌اش باید ۶۰۰ هزار تومان بپردازم. من هم بلافاصله پول را ریختم اما خبری از آزادی پسر خواهرم نشد. با اعلام این شکایت، مأموران پلیس به تحقیق دراین‌باره پرداختند و متوجه شدند علی‌احمد در یک ساختمان نیمه‌کاره در اطراف تجریش کار می‌کند، با حضور مأموران مشخص شد او با یکی از هم‌وطنانش به نام مهردادوست ۲۲ساله اختلاف دارد که او نیز به طرز مشکوکی مفقود شده است. با به‌دست‌آوردن این سرخ، بلافاصله تحقیقات برای دستگیری متهم آغاز شد. در ادامه مأموران پلیس متوجه شدند روز قبل، یک جسد ناشناس در فرغون زردرنگ کنار سطل زباله‌ای در خیابان آصف ولنجک پیدا شده است. مأموران که به دلیل وجود ساختمان نیمه‌کاره نزدیک محل کشف جسد، احتمال می‌دادند جسد متعلق به علی‌احمد باشد، خاله او را احضار کردند به عنوان بلافاصله خواهرزاده‌اش را شناسایی کرد. مأموران که مطمئن بودند مرد افغان توسط هم‌وطنش کشته شده است، تحقیقاتشان را ادامه دادند و سرانجام در خرداد سال گذشته متهم به قتل را در مسافرخانه‌ای در حوالی میدان راه‌آهن شناسایی و دستگیر کردند. مهردادوست در تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: من با مقتول مشکل مالی داشتم. او ۶۰۰ هزار تومان به من بدهکار بود اما قرضش را نمی‌داد. در این مدت هم وقتی درخواست می‌کردم بدهی‌اش را بدهد، بدهنی می‌کرد. روز حادثه به محل کارم آمد اما بازهم درگیر شدیم و من او را به قتل رساندم. سپس جسدش را با فرغون مقابل سطل زباله رها و فرار کردم. چون بدهی‌ام را نپرداخته بود، نقشه گروگان‌گیری خیالی را اجرا کردم و توانستم ۶۰۰ هزار تومان از خاله مقتول بگیرم. با اعتراضات قاتل و تکمیل‌شدن تحقیقات، قرار جلب به دادرسی از سوی قاضی سعید احمد بیکی، بازپرس شعبه هفتم دادرسی امور جنایی صادر و سپس کیفرخواست متهم نیز برای محاکمه در دادگاه کیفری صادر شد. این‌س قاتل افغان به‌زودی در دادگاه کیفری استان محاکمه می‌شود.

بازداشت سردهسته‌باندزدان شرق پایتخت

● سارق حرفه‌ای خودرو و سردهسته باندزدان در شرق پایتخت، توسط پلیس دستگیر شد. در پی افزایش سرقت‌های لوازم خودرو در منطقه خورق پایتخت، مأموران کلاترئی کبائشور، رسیدگی به پرونده را بر عهده گرفتند. با انجام تحقیقات و با استعمال، مشخص شد یکی از متهمان سابقه‌دار شرق پایتخت به نام «یعقوب» که در زمینه سرقت خودرو و لوازم آن فعالیت دارد، به‌تازگی از زندان آزاد شده و با همدستان خود باندی را تشکیل داده است. در ادامه مأموران دریافتند متهم اموال مسروقه را هم به فردی به نام «بهمن» می‌فروشد که از مال‌خران سابقه‌دار است. در نهایت یعقوب دستگیر شد. سرهنگ حسین اسدی، سرکلاترئ ششم پلیس پایتخت درباره این خبر به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: در بازرسی از خانه مجردی «بهمن» نیز اموال مسروقه کشف شد.

انهدام باندسارقان با ۱۰۶فقره سرقت

● فرمانده انتظامی استان کرمانشاه از انهدام باند سارقان حرفه‌ای با ۱۰۶ فقره سرقت و دستگیری شش نفر در این رابطه خبر داد. سردار «منوچهر امان‌اللهی» اظهار کرد: در پی وقوع سرقت‌های متعدد از نمایندگی‌ها و مغازه‌های فروش لوازم صتی و تصویری در سطح استان، بررسی موضوع آغاز شد. وی افزود: با انجام اقدامات اطلاعاتی، اعضای باند سارقان که در یکی از استان‌های مرکزی کشور متواری بودند، در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند. این مقام انتظامی تصریح کرد: در بازجویی‌های فنی از چهار متهم و ارائه دلایل متقن، سارقان به ۴۵ فقره سرقت از مغازه‌های سطح استان‌های کرمانشاه، کردستان و مازندران اعتراف کردند. سردار امان‌اللهی با بیان اینکه تمامی مال‌باختگان شناسایی شده‌اند، افزود: از متهمان، دو دستگاه خودرو سرقتی و دو دستگاه خودروی دیگر متعلق به سارقان که اعمال مجرمانه خود را با آن انجام می‌دادند، کشف شد. وی ارزش اموال مسروقه را پنج میلیارد ریال عنوان کرد. فرمانده انتظامی استان در ادامه از انهدام باند، سارقان منزل و دستگیری چهار متهم نیز خبر داد و گفت: ارزش بازداشت‌شده‌ها و موفقیت‌های این مقام انتظامی، بازپرس شعبه دوم دادرسی امور جنایی، دستور تحقیقات بیشتر را صادر کرد.

نیز کشف شده است.